

دکتر یوسف ثبوتی

برگزیده بخش علوم پایه در نخستین دوره جایزه استاد

دکتر محمد قریب



اگر افراد متوسط جامعه با فراغت بال بتوانند کارهایشان را انجام بدهند، نواخ هم در بین آنها پیدا خواهد شد و ناخلفان هم میدان را برای خودشان وسیع نمی‌بینند و پا پس می‌کشند. به نظر من در چند دهه اخیر به این نکته کمتر توجه شده است، در برنامه‌های ریزی‌های اجتماعی.

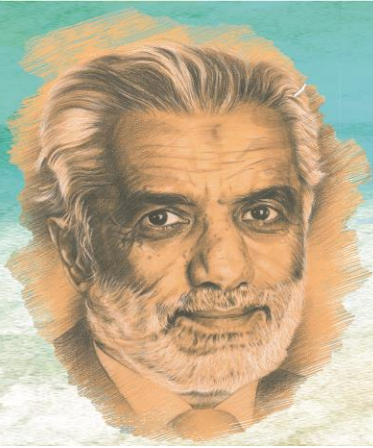
این بینش جامعه‌شناختی من در آوردی من است و بر مبنای همین بینش، نتیجه می‌گیرم اگر در این آب و خاک که اسمش را ایران گذاشتیم و به آن افتخار می‌کنیم لازم است به افراد معمولی جامعه اعتماد کنیم و به کرده‌های کوچک آنها آفرین بگوییم و کاستی‌ها و نارسایی‌هایشان را هم به رخ آنها نکشیم، البته این کار را کمتر می‌کنیم. روند رایج جامعه ما در این چند دهه این است که از همه چیز و همه کس و هر کرده و ناکرده را انتقاد کنیم و انتقاد را هم در جهت بد بگوییم. برای جامعه به نظر من بسیار مخرب است چنین روشی. من اکثریاض به دوستانم توصیه می‌کنم که در گفتار و کردارشان کلمه متاسف را در کمترین حد بکار ببرند یا اصلاً به کار نبرند. این کلمه بار منفی دارد و شنونده را کسل می‌کند و حال و هوای همدلی را از بین می‌برد. این را در یک بستر عام‌تر می‌گویم که در مقابل هر انتقادی که ممکن است سازنده هم باشد، چیزهایی وجود دارد که آدم‌های معمولی آن را درست انجام می‌دهند. به این کارهای کوچک آدم‌های معمولی اجر بگذاریم و ذکر کنیم و اگر گاه گاهی نارسایی در آنها می‌بینیم خیلی برجسته نکنیم. در صورتی که در حال حاضر، به نظر می‌رسد که وارونه عمل می‌کنیم. ما داشته‌های خود را بسیار ناچیز می‌انگاریم و انتقادهایی می‌کنیم که خیلی از آنها درست و به جا نیستند.

استاد باستانی پاریزی در یکی از نوشته‌هایش می‌نویسد: پیرهش را در آفتاب تاریخ خشک کرده است. بنده اجازه می‌خواهم این استعاره را از استاد باستانی پاریزی بگیرم و بگویم بنده هم یک عمر پیراهن در آفتاب دانشگاه خشک کرده‌ام و سخنی درباره دانشگاه‌ها بگویم. من بر این باورم که دانشگاه‌های ما شاید بهترین و درست‌کارترین نهادهای کشور باشند که به وظیفه خود متناسب با امکانات و نفوذ کلامی که از لحاظ که فکر کنید به نحو مطلوب عمل می‌کنند. گواه من بر این ادعا این است که اختلاس‌های چند صد میلیاردی هیچگاه از دانشگاه و دانشگاهیان گزارش نشده است. و یا سخنی که برای کشور در خارج و داخل وهم بیاورد و یا ضرر و زیان بزرگ برساند از دانشگاه و دانشگاهیان سر نزده است. هستند منتقدانی که با این نظر همراه من نباشند و بگویند دانشگاهیان وظیفه لازم را انجام نمی‌دهند.

سلام عرض می‌کنم. من به آقای دکتر نصیری گله کردم، جزو صفاتی که در دفترچه برای من بر شمرده بودند که خیلی از آنها را شامل نیستیم، وطن دوستی را فراموش کرده بودند بنویسند. این کلمه را به لیست سجایایی که برای بنده ذکر شده بود، اضافه کردند. حقاً هم فراتر از چیزی بود که بنده هستم.

جناب آقای دکتر معین، خانم‌ها و آقایان، اجازه می‌خواهم به آنچه مجری محترم برنامه و آقای دکتر نصیری سخاوتمندانه درباره من گفتند، چند کلمه اضافه کنم. من کمترین، از سال ۱۳۲۹ به عنوان دانشجو وارد دانشگاه تهران شدم، تا امروز، به فیزیک عشق ورزیدم. از سالها پیش با خودم عهد کردم که اگر روزی ۲ صفحه فیزیک نخوانم یا یاد ندهم، آن روز خودم را فیزیکی‌دان ندانم و در کار فیزیکی‌دان هم دخالت نکنم.

حداقل از ۵۰ سال پیش تا به امروز، به این عهد وفادار ماندم. البته روزهایی هم بوده که فیزیک نخواندم و یاد نادم و در کارهای فیزیکی‌دان‌ها هم دخالت نکردم. من بر این باور هستم که قوام و دوام جوامع انسانی به افراد متوسط الحال این جوامع وابسته است. این افراد در اکثریت هستند و معمولاً درستکار و قابل اعتماد هستند. این نواخ نیستند که جوامع را به سوی صلاح و نجات می‌برند. یا نادرستان و ناخلفان نیستند که جوامع را به تباهی می‌کشاند. جداً بر این باور هستم که برنامه‌ریزی‌های اجتماعی از هر نوعی باید برای فرصت دادن به افراد متوسط جامعه باشد.



داشت. اگر هم یک روز یک یا چند نفر از این افراد وارد دانشگاه شوند، پس از مدتی می‌بینند فضا برایشان تنگ است، پا پس می‌کشند. این اتفاق افتاده و مثالهای فراوانی در این زمینه وجود دارد. نیازی نیست من فهرستی از خودپالایی‌ها بگویم. دوماً اینکه ما گروه کثیری از دانشجویان در مقطع سنی ۲۰-۲۸ ساله داریم که این گروه دانشجویان فکر و ذکرشان این است که یک چیزی یاد بگیرد برای سالهای بعدی در جامعه. چیزی ندارد که از دست بدهد اگر ناهنجاری ببیند آن را به زبان می‌آورد. این نیروی بی‌آلایش به نظر من نیروی پیشران اساتید، روسا و مدیران دانشگاه و کادر خدماتی دانشگاه‌ها هستند و باید قدرشان را دانست.

سخن را کوتاه می‌کنم، برایتان یک دو بیت می‌خوانم:
عشق را وارد کلام کنیم، تا به هر عابری سلام کنیم / هرکجا اهل مهر پیدا شد، ما در اطرافش ازدحام کنیم.
برای انجمن اخلاق در علم و فناوری آرزوی توفیق دارم. برای پیروان روانشاد دکتر استاد محمد قریب درود می‌فرستم. تشکر.

بنده پیشنهاد می‌کنم تصور کنند دولت به آنهایی که آموزش دانشگاهی از کارشناسی به بالا دارند دستور دهند یک هفته سر کار نروند آن وقت تصور کنید آیا بانک‌ها، صنایع بزرگ و کوچک، بیمارستانها، داروخانه‌ها، مدارس، دفاتر حقوقی، مجلس شورای اسلامی و وزارتخانه‌ها و سازمان برنامه بودجه و شهرداری‌ها و خیلی جاهای دیگر آیا می‌توانند دریشان را باز کنند؟ شاید تنها شورای نگهبان استثناء است ولی بقیه جاها تعطیل خواهد شد. این کار را دانشگاه‌ها طی ۷۰-۸۰ سال برای این کشور کردند. به نظر من باید این موضوع را برجسته کرد و هرجا فرصت پیدا می‌کنیم بگویم تا مردم بدانند نقش دانشگاه در این کشور چه بوده است. سخن دیگر اینکه دانشگاه‌ها مکانیزم خودپالایی دارند که ناهنجاری‌های بزرگ و کوچک را از خود پاک می‌کنند. مواردی بوده که در دانشگاه‌ها ناهنجاری دیده‌ایم. مثالهای فراوانی در این زمینه هست که ناهنجاری‌ها را دانشگاه از خودش دور کرده به دو دلیل روشن که فکر می‌کنم در دانشگاه وجود دارد: اولاً جایی نیست که آدم‌های ناخلف را جذب خودش کند، سودی نخواهند برد و مجال عرضه اندام در دانشگاه‌ها نخواهند